

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال هفتم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

معرفی و تحلیل منظومه‌ناشناخته مودت‌نامه^۱

دکتر مهدیه ولی^۲

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

مثنوی مودت‌نامه از جمله داستان‌های روایی است که شاعری به نام میرمحمداسماعیل بن یوسف ابجدی، از شاعران فارسی‌سرای سده یازدهم سرزمین هند، در جواب خسرو و شیرین نظامی سروده است. این مثنوی هرگز توفیق *خمسه نظامی* را به دست نیاورد؛ اما سادگی زبان، روانی کلام، توجه به معنا و مضمون، استفاده از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال و ساخت و بافت مناسب کلام، سبب شده است فهم مثنوی *مودت‌نامه* برای مخاطب، بدون مشکل باشد. بررسی دست‌نوشته منحصر به فرد اثر نشان داد سراینده علاوه بر توجه به ظاهر کلام، از معنا و مضمون نیز غافل نبوده و هر دو جنبه لفظی و معنایی را مدنظر داشته است؛ از این رو، منظومه وی تک‌ساحتی نیست و ارزش زبانی، ادبی، معنایی و... دارد. این منظومه تاکنون ناشناخته باقی مانده است؛ به همین سبب، نگارنده بر آن شد تا در این مقاله ضمن معرفی این اثر، به بررسی و تحلیل محتوا و سبک‌شناسی اثر پردازد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات غنایی؛ ابجدی هندی؛ نسخه خطی؛ مودت‌نامه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

۱ تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۹/۳۰

۲ vali.dadfar1391@gmail.com

۱- مقدمه

میراث مکتوب باقیمانده از گذشتگان جزو مهمی از فرهنگ و تمدن کشور ماست. آثار ادبی هر ملت آینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن آن ملت است. آثار ادبی بیانگر عواطف انسانی، مسائل روانی و درونی و نشان‌دهنده هنرهای کلامی و در نهایت ایجاد روح التذاذ ادبی است. با وجود گذشت یک سده از آغاز احیا و تصحیح نسخ خطی، تنها بخش اندکی از گنجینه نفیس و ارزشمند داستان‌های غنایی چاپ شده و در اختیار ادب‌دوستان قرار گرفته است و چه بسا شاعران و نویسندگان بزرگی که هنوز خود و آثارشان ناشناخته مانده‌اند؛ ادیبانی که روح بلندشان به آنان اجازه داده است تا با بهره‌گیری از تخیل و کلام در پهنه ادب و هنر جولان دهند.

داستان‌های غنایی یکی از گسترده‌ترین ساحت‌های ادبی و گونه‌شایع و پرتعداد در ادب سنتی است که در قرن یازدهم هجری رواج فراوانی یافت. این نوع ادبی در قالب‌های نظم و نثر و با بیش از ششصد اثر مکتوب اعم از چاپی و خطی در مجموعه فرهنگ ایرانی ثبت شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۲۸).

انسان‌ها همواره به داستان‌های عاشقانه علاقه داشته‌اند؛ زیرا برشی از زندگی آن‌هاست و جدای از جنبه سرگرم‌کنندگی آن، افراد جامعه معمولاً آرمان‌ها و آمال خود را در شخصیت‌های داستان جست‌وجو می‌کنند.

این‌گونه داستان‌ها از نظر آرایش ظاهری یکسان هستند و آنچه سبب تمایز این داستان‌های غنایی از یکدیگر می‌شود، کوشش نویسندگان این آثار در توصیف شخصیت‌ها و مجالس بزم و رزم و وصف حال و جمال داستان و... است که این توصیفات مجال هنرنمایی را برای نویسنده فراهم می‌کند (یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۶۴).

چه بسا با بررسی داستان‌های غنایی، مخاطب علاوه بر بهره‌مندی از ذوق ادبی نویسندگان این‌گونه آثار، به اطلاعات ارزشمند تاریخی، سیاسی، جغرافیا و... نیز دست می‌یابد. این آثار

بهترین و ارزنده‌ترین نشانه طرز فکر مردم هر مملکت و دیار به شمار می‌رود. در واقع نخستین گام برای شناخت و شناساندن یک ملت متمدن، دستیابی به آثار فرهنگی آن است (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵).

در سنت‌های ادبی، معمولاً داستان‌های بلند هیچ‌گاه جدی گرفته نشده و در حاشیه نظام ادبی مسلط مانده‌اند؛ درحالی که همین داستان‌ها زمینه‌های دیگردریسی را در روند ادبیات داستانی جدید فراهم آورده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۸۱).

همواره نویسندگان به پرداختن به داستان‌های عاشقانه، به دلیل جذابیت‌های خاص آن توجه داشته‌اند و همین امر دستمایه خلق آثار متعدد شده است.

قرن ششم را باید نقطه عطفی در ادبیات غنایی فارسی دانست. ظهور نظامی و سرودن خمسه او موجب شد ادبیات غنایی فارسی به اوج کمال خود برسد. اگرچه نظامی آغازگر این راه نبود، مسیری را هموار کرد که پس از وی پیروان بسیاری یافت و جمع بسیاری از شعرای فارسی، هندی، ترکی، اردو، بنگالی و... آثار وی را تقلید کردند (باباصفری، ۱۳۹۲: ۷).

تعداد زیادی از شاعران به نظیره‌گویی اشعار نظامی پرداخته‌اند و گروهی نیز داستان‌هایی سروده‌اند که اگرچه در عنوان و سیر داستان با آثار نظامی متفاوت است، آثار آن‌ها از جنبه ساختاری و داستان‌پردازی تحت تأثیر نظامی قرار دارد. در مجموع بیش از پانصد تن از شعرای فارسی‌زبان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از آثار نظامی تقلید کرده‌اند و این جدای از سرایندهگان سایر زبان‌هاست (همان).

به جرأت می‌توان گفت در طول تاریخ ادبیات فارسی، آثار هیچ شاعری به اندازه نظامی تتبع، و از آن تقلید و نشده است؛ این مطلب بیانگر اصالت و استحکام آثار نظامی و توفیق بزرگ او در این زمینه است.

تعدد و تنوع آثار تقلیدی به‌قدری است که بخش تأمل‌برانگیزی از آثار ادبی دوره‌های مختلف را در بر می‌گیرد؛ اما اوج داستان‌سرایی و داستان‌پردازی در ادبیات فارسی مربوط به

دوره صفویه است. در این عصر به سبب ویژگی‌های خاص و آمیختگی فرهنگی بین ایران و شبه‌قاره هند و دیگر عوامل اجتماعی، توجه ویژه‌ای به داستان‌پردازی شده است.

فراوانی داستان‌ها از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد؛ تنوع طلبی انسان‌ها و رفاه نسبی موجود در جامعه می‌تواند از این عوامل باشد؛ زیرا ادبیات غنایی زاینده آرامش است و در فضای اضطراب و ناامنی شکل نمی‌گیرد. همچنین طبع آزمایی از جمله عواملی است که شعرا برای نشان‌دادن توان و هنر شاعری خود به آفرینش داستانی دست می‌زده‌اند؛ اساساً در زمان صفوی داستان‌پردازی بسیار شایع و رایج بوده است و به صورت سنت درآمده بود. در این دوره، گسترش زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند نیز موجب شد عده‌ای از شعرای این سرزمین به سرودن اشعار و داستان‌های عاشقانه بپردازند که این مسئله در شبه‌قاره هند نمود بسیاری دارد.

ابجدی هندی از جمله شاعرانی است که در قرن یازدهم به تتبع از آثار نظامی پرداخت و کوشید با سرایش خمسه‌ای در جواب خمسه نظامی در عرصه سرایندگی، هنرنمایی و عرض اندام کند. وی مثنوی مودت‌نامه خود را در جواب خسرو و شیرین نظامی سرود. در منظومه‌های مقلد داستان‌های بلند عاشقی و مهجوری و مشتاقی که برای دو دل‌داده پیش آمده است، غالباً حوادث با تفاوت‌هایی تکرار می‌شوند؛ ولی مجال هنرنمایی سخنور زیاد است؛ مانند داستان‌هایی که به تقلید از خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا و... سروده شده است (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۱۶۸).

مودت‌نامه در زمره این آثار است که متأسفانه تاکنون در غبار فراموشی باقی مانده است. این آثار مکتوب بهترین و ارزنده‌ترین نشانه طرز فکر مردم هر مملکت و دیار به شمار می‌روند؛ بنابراین شناساندن و معرفی آنان لازم و مبرهن است (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵)؛ از این رو، نگارنده بر آن شد تا در این پژوهش ضمن معرفی این اثر، از جنبه محتوایی نیز آن را واکاوی کند.

۱-۱ پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ نسخ خطی منظومه‌های غنایی صورت گرفته است؛ اما نسخهٔ خطی مودت‌نامه منسوب به ابجدی در جرگه آثار نفیسی است که همچنان از نظر اهل ادب به دور مانده است. تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که به‌طور خاص به معرفی و تحلیل محتوای مثنوی مودت‌نامه بپردازد؛ بنابراین پژوهش حاضر در نوع خود نخستین گام است.

۲- معرفی سراینده

میرمحمداسماعیل بن یوسف ابجدی از شاعران فارسی‌سرای سدهٔ یازدهم سرزمین هند است (درایتی، ۱۳۹۱: ۶۲۸) که در تذکره‌ها و فهرست‌های فارسی و فرنگی اطلاعاتی دربارهٔ این شاعر ارائه نشده است. تنها اطلاعاتی که با تکیه بر متن منظومه می‌توان از سرایندهٔ آن دست داد، بدین شرح است:

۱) میرمحمداسماعیل بن یوسف در کودکی تحت تربیت و تعلیم پدرش قرار گرفت و علوم مختلف را نزد پدر آموخت؛ اما در همان دوران کودکی پدرش را از دست داد و پس از اینکه یتیم شد، ناگزیر به سفر در سرزمین‌های مختلف پرداخت. در سن هفتاد و شش سالگی دست ارادت به دامان علی‌اکبر نامی از مشایخ صوفیه زد:

چو دیدم پایهٔ من سخت شد پست به دامان علی‌اکبر زدم دست
ز فیض بزم آن رأس‌المشایخ به گردون سر زدم چون کوه شامخ
(نسخهٔ خطی، ۲۴: ۱)

۲) تخلص شاعر ابجدی است که در جای‌جای منظومه بدان اشاره کرده است:

خموشی ابجدی بهتر درین کار بجنبان چون جرس زنجیر اسرار
(همان، ۱۵: ۱۸)

۳) از مندرجات صفحه ۲۶ نسخه برمی آید که شاعر خمسه نظامی را جواب گفته است. در یادداشت‌های مربوط به خلاصه اثر، کتاب‌های خمسه ابجدی این‌گونه معرفی شده است:

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| نخستین زبده‌الافکار گفتم | جواب مخزن‌الأسرار گفتم |
| وزان پس رخت بستم بر دگر راه | کشیدم سوی انورنامه بنگاه |
| وزان جا باز چون گل بر شکفتم | به سوی راغب و مرغوب رفتم |
| چو برگشتم از آن سعدین اکبر | به یک رشته کشیدم هفت جوهر |
| برانگیزم کنون فالی دگرگون | ز نم قرعه به نام آن همایون |
| گلستان می‌کنم اوراق دفتر | ز گل‌های جمال لعل پرور |

(همان، ۲۶: ۵)

وی منظومه یادشده را به تصریح در خاتمه، مودت‌نامه نام نهاده است:

| | |
|-------------------------|--------------------------|
| مودت چون بود عنوان نامه | مودت را رقم کردم ز خامه |
| مودت بر سر هنگامه آمد | از آن نامش مودت‌نامه آمد |

(همان، ۱۸۶: ۲)

ابیات بالا بیانگر این است که مثنوی مودت‌نامه پنجمین مثنوی ابجدی است و در این اثر به شرح عشق میان همایون، پادشاه خوزستان با لعل پرور، شاهزاده بدخشان پرداخته شده است. ابجدی مثنوی مودت‌نامه را در سه هزار و پانصد بیت و در جواب خسرو و شیرین نظامی سروده است.

۳- معرفی نسخه منحصر به فرد مودت‌نامه

تنها دست‌نوشته‌ای که از داستان مودت‌نامه باقی مانده است، نسخه‌ای است که به خط نستعلیق در سال ۱۱۹۷ قمری در ۹۳ ورق و ۱۸۶ برگ ۱۵ سطری، کتابت شده است و به شماره ۱۱۹۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (حکیم، ۱۳۹۰: ۶۶۱).

متأسفانه کاتب این نسخه ناشناخته است؛ اما شواهد و اصلاحات انجام‌شده در متن نسخه نشان می‌دهد که این دست‌نوشته پس از کتابت با نسخه اصلی، مقابله و تصحیح شده است. نسخه با این بیت آغاز می‌شود:

خداوندا منور کن ضمیرم بخندان چون چمن خاک خمیرم

(نسخه خطی، ۱: ۱)

و با این بیت پایان می‌پذیرد:

زبانم را دعا چون کرد رنگین اثر جوشید چون معنی ز آمین

(همان، ۱۸۶: ۱۳)

۴- گزارش داستان

پادشاهی به نام شاهرخ در سرزمین خوزستان حکومت می‌کرد که از نعمت فرزند محروم بود. شبی در خواب پیری خردمند را دید که به او بشارت داد اگر با زرینه، شاهزاده سمرقند ازدواج کند، صاحب فرزندی نیکوسیرت خواهد شد. پس از مدتی همایون متولد شد. منجمان او را فرزندی سعادت‌مند دانستند و گفتند در روزگار نوجوانی گرفتار عشق زیبارویی خواهد شد. شاهرخ پس از مدتی از دنیای فانی درگذشت و همایون به جای وی بر تخت شاهی نشست. غوری خان، حاکم گرجستان قصد تعرض به خوزستان را کرد که با دلاوری همایون شکست سختی خورد و کشته شد. همایون بنابه وصیت وی عازم گرجستان شد و با نگینه، دختر غوری خان که در زیبایی شهره بود، ازدواج کرد و ظفرخان را در گرجستان به نیابت از خود به فرمانروایی گماشت و خود به همراه همسرش راهی خوزستان شد. شبی همایون در عالم خواب زیبارویی را دید و گرفتار عشق وی شد. آن زیبارو خود را لعل پرور معرفی کرد. همایون پس از بیدارشدن دلش آشفته عشق وی شد. تا اینکه روزی همایون وارد شکارگاهی شد؛ در آنجا آهویی طناز دید و به تعقیب او پرداخت. آهو به شمایل دختری زیبا درآمد؛ خود را ستاره معرفی کرد و علت حضور خود در آن سرزمین را ملال

خاطر خود از دختر عمویش لعل پرور بیان کرد. او در عالم خواب و رؤیا گرفتار عشق جوانی به نام همایون شده بود و ستاره برای یافتن آن به همه سرزمین‌ها به‌جز خوزستان سفر کرده بود. همایون هنگامی که نام لعل پرور را شنید، خود را معرفی کرد و راز خود را برای ستاره آشکار کرد. سپس نامه‌ای برای لعل پرور نوشت و آن را به ستاره داد تا به لعل پرور برساند. همایون به خوزستان برگشت و ماجرا را با مادرش زرینه در میان نهاد. مادر از اینکه او دلبسته پریزاده‌ای شده بود، او را ملامت کرد. ستاره نیز به نزد لعل پرور رفت و او را از حال همایون باخبر کرد. در این هنگام در سرزمین خوزستان، نوید فرزند همایون از نگینه متولد شد؛ اما همایون همچنان دل در گرو عشق لعل پرور داشت. پس از مدتی به‌کوشش ستاره، همایون و لعل پرور همدیگر را ملاقات کردند و این ملاقات آتش عشق آن دو را سوزان تر کرد و آن دو مصمم شدند تا به همراه همدیگر به نزد ختامه مادر لعل پرور بروند که در سرزمین بدخشان حکم می‌راند. ختامه زبان به نصیحت آن دو دلداده گشاد و آن‌ها را از این عشق برحذر داشت؛ اما با اصرار آن دو، موافقت خود با ازدواج آن‌ها را به موافقت نگینه همسر همایون مشروط کرد. همایون برای جلب رضایت نگینه راهی خوزستان شد و نزد مادر و همسرش نگینه رفت و کوشید با دلگرم نمودن نگینه به جلب رضایت او برای ازدواج خود با لعل پرور پردازد؛ اما نگینه از موافقت امتناع کرد. در همین ایام همایون از مرگ ختامه مادر لعل پرور و بر تخت نشستن لعل پرور خبردار شد و تصمیم گرفت پنهانی به نزد لعل پرور رود. در غیاب همایون از قلمرو فرمانروایی خود، نریسا، شاه ارمنستان به گرجستان حمله کرد و مادر همایون که قلمرو فرمانروایی فرزندش را در معرض خطر یافت، پیکی به همراه نامه‌ای روانه بدخشان کرد. همایون پس از اینکه از اوضاع باخبر شد، به تشویق لعل پرور برای سروسامان دادن به اوضاع راهی گرجستان شد و به مدد سپاهیان نوید بن همایون پرداخت و بر نریسا غلبه کرد و او را کشت. سپس راهی خوزستان شد. نگینه همسر وی دچار بیماری شد و از سرای فانی رخت بربست و همه در

مرگ وی به سوگ نشستند. پس از مدتی همایون از سوگ نگینه فارغ شد و پادشاهی را به نوید، فرزندش واگذار کرد و به کمک پیری از روزنی به تنگی سوراخ سوزن در چشم برهم‌زدنی عبور کرد و وارد بدخشان شد و به دیدار لعل‌پرور شتافت؛ بساط عروسی را فراهم کرد و به وصال معشوق رسید و مدتی در کمال لذت و خوشی در کنار معشوق روزگار گذراند. در همین ایام غلام لعل‌پرور دلدادۀ او شد و تصمیم گرفت همایون را بکشد تا به وصال محبوب برسد. او چنین کرد؛ اما به وصال معشوق دست نیافت. لعل‌پرور ابتدا غلام را بر دار کشید و همایون را به شیوۀ زردشتیان در دخمه‌ای قرار داد. سپس لباس شاهان را بر تن او کرد و به دخمه رفت و درحالی که همایون را بوسه‌ و دای می‌بخشید، جان سپرد.

۵- بررسی سبک‌شناسی منظومه مودت‌نامه

۱-۵ بررسی موسیقی شعر ابجدی هندی

۱-۱-۵ موسیقی بیرونی

شاعر منظومه مودت‌نامه را در وزن مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده است. بحر هزج که سراینده در این منظومه به آن توجه داشته است، از اوزان دلنشین و شیرین و متناسب با اوزان آرام‌بخش و ششمین وزن پرکاربرد فارسی است. استفاده سراینده از بحر هزج و زحافات آن، نشان‌دهنده علاقه و توجه او به اوزان جویباری است. «اوزان جویباری از ترکیب نظام ایقاعی خاصی، حاصل می‌شود که با همه زلالی، زیبایی و مطبوع‌بودن، شوق به تکرار در ساختمان آن‌ها، احساس نمی‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۵).

۲-۱-۵ موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

قافیه: یکی از جلوه‌های موسیقی شعر، قافیه است که در منظومه مودت‌نامه، سبب غنای وزن و آهنگ شده است. در منظومه مودت‌نامه، سراینده از انواع قافیه‌های اسمی و فعلی

بهره گرفته است. ابجدی به‌ندرت در انتخاب قوافی به خطا رفته است. سراینده برخلاف شاعران سبک هندی از تکرار در قافیه‌پردازی پرهیز کرده است. یکی از دلایل این امر را می‌توان استحکام ساختار عمودی اشعار او دانست.

نمونه‌ای از قافیه در منظومه مودت‌نامه:

علی را کار فرما تا برآید به جنگ کافران خیر آید
(نسخه خطی، ۱۱۰: ۱۰)

ردیف: ابجدی در منظومه مودت‌نامه به‌خوبی از تأثیر ردیف در غنای موسیقی آگاه بوده است. به همین دلیل، از انواع ردیف‌های فعلی، اسمی، گروهی، ضمیر و قید و حرف اضافه در شعر خود استفاده کرده است. نمونه‌هایی از ردیف‌های شعر او در ادامه می‌آید:

بگفت از چه خرامیدی درین شب چه داری کار با من اندرین شب
(همان، ۱۵: ۴)

سریر سرکشان را سرنگون کن تکبیر از دماغشان برون کن
(همان، ۱۳: ۷)

بهار عید ما روی تو باشد مشام ما پی بوی تو باشد
(همان، ۱۳: ۱۲)

۳-۱-۵ موسیقی درونی

- تکرار کلمه:

زبان سنگ با او در تکلم لبش گاه تکلم در تبسم
(همان، ۱۶: ۱۳)

- جناس:

جناس از جمله آرایه‌های لفظی است که سبب غنای موسیقی می‌شود. سراینده در منظومه مودت‌نامه از انواع جناس برای آهنگین‌تر کردن کلام خود بهره گرفته است.

کنون باید که وصفش گوش سازم سرانجام مهام هوش سازم
(همان، ۵۴: ۱۶)

ندامت یار من گردید آخر ملامت بار من گردید آخر
(همان، ۵۳: ۱۵)

- مراعات‌النظیر:

مراعات‌النظیر از جمله آرایه‌های معنوی است که شاعر در منظومه مودت‌نامه با بهره‌گیری از آن کوشیده است تا در توصیف صحنه‌ها و حوادث داستان هنرنمایی کند.

ز تیغ و خنجر و گرز و سنان‌ها روان گشتند بر گردون روان‌ها
(همان، ۱۴۷: ۱۰)

گهی یاقوت برمی‌کند از کان گه از دریا برون افکند مرجان
(همان، ۲: ۱۳)

- نغمه حروف:

جهانبان و جهان‌پرور، جهانبخش به این پشمینه پوشی پرنیان‌بخش
(همان، ۱۰: ۱۰)

ابجدی به تأثیر واج آرایبی در غنای موسیقی آگاه بوده است و از آن به‌خوبی استفاده کرده است؛ برای نمونه در بیت فوق با تکرار واج‌های «ج، ه، ا، پ، ن» موسیقی درونی کلام خود را افزون کرده است.

اشتقاق:

جلالش موجب قهر جهان است جمالش باعث امن و امان است
(همان، ۳: ۶)

۶- سطح زبانی

از جمله آثاری که به تقلید از *خمسه نظامی* سروده شده است، منظومه مودت‌نامه ابجدی است که البته سراینده نتوانسته است در مقابل نظامی هنرنمایی کند؛ در واقع، منظومه

مودت نامه هرگز در ساخت و بافت داستان به جایگاه خمسه نظامی دست نیافته است. ابجدی در مودت نامه برای صمیمی تر کردن زبان، از واژگان سهل و زودیاب بهره برده و از کاربرد واژگان دیریاب و غیرمستعمل پرهیز کرده است.

۱-۶ ترکیب‌سازی

یکی از شگردهای بیانی و زبانی سبک هندی، ساخت ترکیبات زیبا و تازه‌ای است که بیشتر پیامد نیازهای بلاغی و بیانی است. ابجدی از شاعران سبک هندی است که در منظومه مودت نامه به ترکیب‌سازی پرداخته است. نمونه‌ای از ترکیبات فاعلی و مفعولی به کاررفته در منظومه مودت نامه عبارت است از:

عدل‌گستر (ص ۷: ب ۲)؛ زیب‌بخش (ص ۱۰: ب ۱)؛ نوربخش (ص ۱۱: ب ۳)؛
آب‌بخش (ص ۱۶: ب ۳)؛ صفابخش (ص ۷۴: ب ۴)؛ گهرفشان (ص ۱۹: ب ۲)؛ جگرسوز
(ص ۲۱: ب ۸)؛ جهانبان (ص ۵۶: ب ۵)؛ چراغ‌افروز (ص ۲۵: ب ۳)؛ دل‌افروز (ص ۳۸:
ب ۳)؛ عالم‌افروز (ص ۲۲: ب ۱۰)؛ راحت‌افروز (ص ۹۲: ب ۱۱)؛ گهرخیز (ص ۲۴: ب ۵)؛
کینه‌انگیز (ص ۴۸: ب ۱۳) و

نکته تأمل‌برانگیز در ترکیبات به کاررفته در منظومه مودت نامه این است که سراینده در ترکیب‌سازی از واژگان «بخش» و «افروز» بسیار بهره گرفته است.

۲-۶ واژگان کهن

سراینده در مثنوی مودت نامه کوشیده است از واژگان دشوار و دیریاب کمتر استفاده کند و لغات کهن کمتر در این منظومه دیده می‌شود. پاره‌ای از لغات کهن به کاررفته در منظومه مودت نامه عبارت است: راغ (ص ۲۱: ب ۱۰)؛ رشحه (ص ۱۳: ب ۳)؛ مگاک (ص ۲۱: ب ۵)؛ جلاباب (ص ۱۳: ب ۴) و

۳-۶ واژه‌های عربی

از جمله ویژگی‌های شعر ابجدی، کاربرد واژه‌های عربی است که در قرن یازدهم بیش‌ازپیش رواج یافت. آموزش و تعلیم زبان عربی در مدارس و تألیف کتاب‌های بسیار در

علوم متعدد به زبان عربی باعث شد دانش آموختگان به این زبان تمایل و علاقه بیشتری پیدا کنند. در شعر ابجدی نیز مانند شاعران و نویسندگان هم دوره خود واژگان عربی به میزان بسیاری به کار رفته است؛ از جمله: معاذالله؛ حاش‌الله؛ لیل و نهار؛ ماء؛ طین؛ یمین و یسار؛ سنین و شهور؛ حاشاک؛ امساک و... .

۷- سطح ادبی

در سبک هندی توجه چندانی به آرایه‌های ادبی نمی‌شود. «البته تشبیه اساس این سبک است، اما از دیگر امور بدیعی و بیانی جز به صورت طبیعی و تصادفی خبری نیست؛ زیرا سبک هندی شعر مضامین اعجاب‌انگیز و ایجاد رابطه‌های غریب است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۹۸). ابجدی هندی در منظومه مودت‌نامه، به پیروی از سبک هندی به معنا و مفهوم توجه خاص دارد و کمتر به صنایع بدیعی توجه کرده است. با وجود این، زبان شعر او از تشبیه و استعاره و کنایه و... خالی نیست. از نظر ادبی، شاعر از تشبیه بسیار بهره برده است؛ زیرا در مضمون‌سازی که اساس سبک هندی است، تشبیه نقش فعالی دارد. انواع تشبیهات بلیغ، مضمّر، تفضیل، شرط و... در این منظومه دیده می‌شود.

۷-۱ تشبیه

تشبیه بلیغ:

| | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| درون هر سخن صد بحر اخلاص | دُر معنی به دامن‌های غواص |
| به هر موجش روان صد نهر آئید | به هر برجش عیان صد گونه خورشید |

(نسخه خطی، ۴۹: ۱۶)

تشبیه مرکب:

| | |
|------------------------|---------------------------|
| ولیکن در جناب دختر شاه | به رنگ اخترم در پهلوی ماه |
|------------------------|---------------------------|

(همان، ۵۰: ۴)

تشبیه تفضیل:

دهانش را بگویم غنچه تنگ کزین تشبیه می‌دارد بسی ننگ
(همان، ۵۵: ۱۳)

اضافه تشبیهی:

امیدم آن که می‌آیم به‌سویت رطب چینم ز نخلستان رویت
(همان، ۹: ۵)

۲-۷ استعاره:

ابجدی در منظومه مودت‌نامه، از استعاره نیز بهره برده است؛ اما استعاره‌های به‌کاررفته اغلب کلیشه‌ای است و از خلاقیت و نوآوری بی‌بهره است.

بت شکر لب و ماه گل اندام بدین سان گفت با آن نیک‌انجام
(همان، ۵۳: ۸)

بت و ماه: استعاره از ستاره (یکی از زنان منظومه)

سحرگاهان که شاه ملک خاور برآمد بر سریر چرخ اخضر
(همان، ۳۶: ۸)

شاه ملک خاور: استعاره از خورشید

چرخ اخضر: استعاره از آسمان

۳-۷ کنایه

یکی از آرایه‌های معنوی پربسامد در منظومه مودت‌نامه، کنایه است. برخی از کنایه‌های به‌کاررفته در مودت‌نامه تکراری و مبتذل است؛ اما برخی از کنایات هم تاحدی، ارزش ادبی دارد:

عنان زد سوی گرجستان به اقبال که تا یابد هوای ملک آمال
(همان، ۴۰: ۸)

عنان‌زدن: کنایه از حرکت کردن

پدر در وقت رحلت کرد شاهم بر اوج ماه ساییده کلاه‌م
(همان، ۱۱۱: ۱۵)

کلاه ساییدن بر اوج ماه: کنایه از رفعت مقام و مرتبه

زبان بگشاد آن گه کای پری‌وش زنی در پنبه راز من چو آتش
(همان، ۵۴: ۱۸)

۷-۴ مجاز

مجاز از صنایع بدیعی است که ابجدی در مودت‌نامه خود، به آن توجه داشته است.

سرایت کرد عشقت در رگ و پوست ندارم غیر تو در دل دگر دوست
(همان، ۵۹: ۲۰)

رگ و پوست: مجاز از کل بدن

۷-۵ تشخیص

سراینده در منظومه مودت‌نامه برای اینکه به ابیات خود پویایی و تحرک دهد از آرایه تشخیص بهره گرفته است.

به سالی چون شود امساک باران نگرید دیده ابر بهاران
(همان، ۳۲: ۶)

۸- ویژگی‌های دستوری

زبان شعری مودت‌نامه ساده و بسیار نزدیک به زبان معیار امروز است. عناصر نحوی در این منظومه به یکدیگر نزدیک‌اند و از همدیگر فاصله نگرفته‌اند. مهم‌ترین ویژگی‌های دستوری در منظومه مودت‌نامه عبارت‌اند از:

– استفاده از یک و «ی» نکره به صورت هم‌زمان برای نکره کردن اسم

همایون نیز برآمد به لشکر یکی گریزی به دستش شیر پیکر
(همان، ۴۸: ۵)

– کاربرد فعل به صورت امروزی

در منظومه مودت‌نامه افعال به صورت امروزی به کار رفته است و تنها در دو جا، افعال به شیوه سبک خراسانی به کار برده شده است:

شنیدستم که ترسایان آزر بنا کردند بهرش طاق مرمر

(همان، ۵۱: ۱۵)

– کاربرد «را» در معنی حرف اضافه «برای»

شما را آنچه می‌باشد مناسب به قدر شأن خودها از مناسب

(همان، ۴۷: ۶)

سپر دم در پناه چون تو شاهی که ما را نیست کس جز تو پناهی

(همان، ۵۷: ۱۵)

نزدیکی و ویژگی‌های دستوری جملات در منظومه مودت‌نامه با زبان امروزین، سبب شده است شعر وی برای مخاطب زودفهم و آسان‌یاب شود.

۹- سطح فکری و معنایی منظومه مودت‌نامه

ابجدی هندی، مانند اغلب سراینده‌گان سبک هندی، به معنا و مضمون اهمیت زیادی می‌دهد و الفاظ را در خدمت معنا و مضمون به کار می‌گیرد. پاره‌ای از ویژگی‌های معنایی منظومه مودت‌نامه بدین گونه است:

• این منظومه همچون غالب منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی با حمد و ثنای آفریدگار و پیامبر اعظم آغاز می‌شود و فصلی در مناجات با خالق و برشمردن نعمت‌های خداوند جهان‌آفرین دارد. شیوه‌ای که آغازگر آن نظامی بوده و پس از وی استقبال شده است.

به نام آن که از مه تا به ماهی دهد هر ذره بر ذاتش گواهی

(نسخه خطی، ۲: ۴)

قلم خود را به لوح حق چو ضم کرد
نخستین نام احمد را رقم کرد
زهی نام شهنشاه شکردان
که شیرین کرد کام تلخ حرفان
(همان، ۷: ۱۶)

- بن‌مایه اصلی داستان، عشق دو دل‌داده است که در فراق یکدیگر رنج‌های جانکاه می‌کشند و سرانجام داستان با مرگ غم‌انگیز آن دو پایان می‌یابد.
- بسیاری از داستان‌های عاشقانه با مرگ عشاق پایان می‌پذیرد؛ چنان‌که مجنون بلافاصله پس از مرگ لیلی جان می‌دهد و شیرین با قتل خسرو، خودکشی می‌کند. در داستان یادشده نیز لعل‌پرور پس از مرگ همایون جنازه او را در آغوش می‌گیرد و در دم جان می‌دهد و با فرجامی ناخوشایند، مرگ عشاق، به غم‌نامه‌ای تلخ و دلگزا برای مخاطب تبدیل می‌شود.

همایون چون به تابوت شهانه
به‌سوی دخمه خود شد روانه
درون دخمه آمد لعل‌پرور
ملک را دید می‌خوابد به بستر
کشید آن جسم بی جان را در آغوش
لبش بر لب نهاده، دوش بر دوش
بر آن پرویز صحبت‌های دیرین
سپرده جان شیرین همچو شیرین
(همان، ۱۸۲: ۱۸)

- از نظر محتوایی برخی داستان‌ها اصیل و پیراسته‌اند؛ اما دسته‌ای نیز با موضوعات مختلفی از قبیل خرافات و مسائل عجیب و غریب مانند پریان، دیوان و جنیان آمیخته‌اند. این مسئله به‌ویژه در دوره صفویه دیده می‌شود و علت اصلی آن آمیختگی فرهنگی ایرانیان و هندیان است؛ البته باورهای هندوها در این زمینه به ادبیات فارسی سرایت کرده است (باباصفری، ۱۳۹۲: ۱۱). مثنوی مودت‌نامه نیز در جرگه آثاری است که از این مسئله خالی نیست و حتی گاهی سراینده چنان در زمینه امور خارق‌العاده افراط کرده که از جذابیت داستان کاسته است.

- توالی و پیوستگی حوادث در منظومه مودت نامه به خوبی مشهود است و حوادث سلسله‌وار به همدیگر متصل شده است.
- بسیاری از ویژگی‌های اصلی داستان‌های غنایی از جمله آغاز عشق در عالم خواب و رؤیا، دیدن وقایع در خواب، امدادهای غیبی، وجود عوامل متافیزیکی و خارق‌العاده، آمیختگی بزم و رزم، موانع متعدد در سر راه عشاق، دسیسه و جادو، داستان‌های میان‌پیوندی و مرگ هم‌زمان عشاق در این داستان نیز دیده می‌شود.
- مودت نامه از جمله داستان‌های فانتزی و عامیانه است. وجود عوامل مافوق طبیعی مانند جن و پری و همچنین بهره‌گیری از اسطوره‌های دینی و اشیایی مانند مهره‌آزده‌ها - که برای حامل آن خاصیت مخفی‌سازی از دید دیگران را در پی دارد و در اختیار همایون قرار گرفته است - رنگ خاصی به اثر بخشیده است.
- «طرفین داستان ممکن است دو انسان باشند یا غیرانسان باشند یا یکی انسان و یکی پریزاده باشد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۹). در مثنوی مودت نامه قهرمان داستان، انسانی به نام همایون پادشاه خوزستان است که دل‌بسته پریزاده‌ای به نام لعل‌پرور شده است.
- داستان حول سه محور غنا، حماسه و تعلیم می‌چرخد و نویسنده از غنا و حماسه در صحنه‌پردازی‌های بزمی استفاده می‌کند. هرکجا محلی مناسب می‌یابد به پند و اندرز و تعلیم می‌پردازد و بی‌اعتباری و ملالت و سختی دنیا را به مخاطب گوشزد می‌کند.
در این محنت‌سرای مردم‌آزار یکی را گنج و دیگر را بود مار
یکی در خاک و دیگر بر سر تخت یکی بی‌برگ و دیگر صاحب بخت
(نسخه خطی، ۴۰: ۲)
- درون‌مایه‌های تغزلی و حماسی در ادبیات فارسی، به‌نوعی با آموزش‌های اخلاقی پیوند یافته است (مشرف، ۱۳۸۹: ۹). در مثنوی مودت نامه نیز بعد تعلیمی تأمل‌برانگیز است و سراینده هرکجا مجال یافته، به پند و اندرز مخاطب پرداخته است.

• عشق اصلی‌ترین درون‌مایه ادبیات غنایی است. نویسندگان با محور قرار دادن عشق، داستان‌هایی را بیان کرده‌اند که هریک به فراخور وسع و توان به‌دنبال مطلوب و هدفی بوده‌اند؛ از همین رو نوع عشق و مراتب آن در انواع داستان‌ها متغیر است.

در داستان مودت‌نامه عشق عذری وجود دارد. عشقی پاک و به‌دور از شائبه و آلودگی که در جریان آن صرفاً جنبه ظاهری و جسمانی در میان نیست و هدفی ماورای ارضای شهوات و هوسرانی در میان است. همچنین در این منظومه عشق آدمیزاد (همایون) به پریزاد (لعل‌پرور) در زمره عشق‌های خیالی و رؤیایی به شمار می‌رود (باباصفری، ۱۳۹۲: ۹).

• یکی از جذاب‌ترین و دلنشین‌ترین بخش‌های منظومه‌های غنایی، نامه‌های عشاق به یکدیگر است که سبب پویایی و جذابیت بیشتر داستان می‌شود. در این منظومه نیز شاهد نامه‌های متعدد عشاق به یکدیگر هستیم.

پس آنکه دست زد بر روی خامه نوشته سوی یارخویش نامه

(نسخه خطی، ۶۷: ۱۷)

• عرق مذهبی سراینده به‌خوبی در این داستان مشهود است. او می‌کوشد پابندی به امور مذهبی و حق‌شناسی نسبت به نعمت‌های خداوند را در خلال اعمال و سخنان قهرمانان داستان برای خواننده درونی کند. همایون و لعل‌پرور پس از وصال با یکدیگر به ستایش و سپاس از حق تعالی می‌پردازند:

به هم هر دو به معبد ره گرفتند به گلزار عبادت‌خانه رفتند

به وصف حق تعالی لب گشاده به خاک آستانش سر نهاده

ستایش بی‌حد و بسیار کردند زبان در شکر شکر بار کردند

(همان، ۱۷۳: ۳)

• سراینده همه‌چیز را وابسته به قدرت لایزال الهی می‌داند و انسان را بدون قدرت و اراده‌ای از جانب خود می‌داند. وی معتقد است تمام افعال صادرشده از انسان به اراده باری تعالی وابسته است و از قضا و قدر الهی نشأت می‌گیرد.

فرو بستند حکما دست تدبیر که می‌دیدند غالب امر تقدیر
(همان، ۱۸۲: ۹)

• عنصر خواب و رؤیا در منظومه مودت‌نامه، مانند بسیاری از داستان‌های عاشقانه نقشی اساسی دارد. قهرمانان داستان بسیاری از وقایع را قبل از وقوع در عالم مادی، در عالم خواب و رؤیا مشاهده می‌کنند. همایون در عالم خواب از فرارسیدن زمان مرگ نگینه همسر اولش باخبر می‌شود و همچنین همایون و لعل‌پرور در عالم خواب همدیگر را برای اولین بار ملاقات می‌کنند و دلدادۀ یکدیگر می‌شوند.

ز خود رفتم از آن رفتن به خوابی به چشم جلوه‌گر شد آفتابی
بتی دیدم به‌سان حور فردوس که بل حور از خجالت ریخت ناموس
(همان، ۱۷: ۱۶)

• یکی از مباحث شخصیت‌پردازی در این اثر، نام‌گزینی برای قهرمانان است. قهرمانان به تناسب عملکرد، کنش و طینت خود نام می‌گیرند. شاعر در انتخاب نام‌های شخصیت‌های داستان، ذوق خاصی به خرج داده و علاوه بر رعایت تناسب و آهنگ به مفهوم و معانی اسامی نیز توجه داشته است. او با انتخاب نام‌های زرینه، نگینه، لعل‌پرور و ختامه برای زنان داستان که همه از نام‌های جواهرات گران‌بهاست، به‌طور غیرمستقیم شخصیت آن‌ها را ارزشمند و گران‌بها معرفی کرده است.

• «منظومه بزمی، موضوع عشق است و زندگی، عشق‌های نامراد و همچنین عشق‌های کامیاب؛ اما درآکنده به موانع و رقابت‌ها» (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ۱۳۹). این موانع و مشکلاتی که در داستان‌ها در مسیر وصال عشاق وجود دارد، سبب پویایی و تحرک در داستان می‌شود. موانع و مشکلات موجود در راه وصال عشاق سبب جذابیت مثنوی مودت‌نامه نیز شده است؛ این موانع شامل وجود رقیب عشقی، مبارزه با دیو و اژدها، سرگردان شدن در بیابان خشک و بی‌آب و علف و... است.

- پایان داستان شباهت زیادی به داستان خسرو و شیرین و داستان شیرویه و شیرین دارد.
- مودت‌نامه مانند بسیاری از منظومه‌های عاشقانه آمیخته‌ای از بزم و رزم است. ذبیح‌الله صفا بر آن است که حماسه اصلاً و اساساً از ادبیات غنایی پدید آمده است (صفا، ۱۳۶۹: ۱۴)؛ بنابراین منظومه‌های غنایی، اساساً آمیخته‌ای از رزم و صحنه‌های حماسی است که سبب پویایی داستان‌های غنایی می‌شود.
- همایون با وجود عشق وافر که نسبت به لعل پرور دارد، دلاوری است که لحظه‌ای از امور سرزمین‌های تحت سیطره خود غافل نیست و بارها به جنگ با دشمنان خود از جمله کارگزاران ارمنستان و گرجستان می‌پردازد و بر آن‌ها غلبه می‌کند. همایون همچنین به جنگ با موجودات مافوق طبیعی از جمله دیو و اژدها می‌پردازد.
- سراینده در توصیف صحنه‌های رزم چندان توفیق نیافته است و لغات و عباراتی که در این ابیات به کار برده است، سست و ضعیف است.
- اگرچه میمنه بودش ستیزان ولی شد میسره پا در گریزان
(نسخه خطی، ۱۴۶: ۸)
- ابجدی در مثنوی مودت‌نامه ارزش و اهمیت بسیاری برای زنان قائل می‌شود و به شخصیت والای آن‌ها اعتبار و ارزش می‌بخشد؛ او برخلاف افکار غالب بر زمان شاعر، زن را انسانی خردمند و توانا برمی‌شمارد، نه وسیله‌ای برای تمتعات جسمانی مردان.
- زنان بر همت عالی چو باشند زان شیر چربی می‌تراشند
زن هشیار به از مرد غافل که آن دانا بود این هست جاهل
(همان، ۱۳۶: ۹)
- حکایت‌ها و داستان‌های میان‌پیوندی در این منظومه سبب تحرک‌بخشی به این اثر

شده است. این حکایات دربردارنده نکات و آموزه‌های اخلاقی است و سراینده خواسته است مطابق شیوه ای کهن و دیرینه، برای استشهاد یک موضوع و ماجرا و بیان افکار و اندیشه‌های خود، حکایتی تمثیل‌گونه بیان دارد تا کلام از یک‌دستی خارج شود و تنوع مضمون را افزون کند.

• در قسمت پایانی داستان، به پیشنهاد همایون، کنیزان زیباروی لعل پرور هرکدام با یکی از اطرافیان همایون ازدواج می‌کند. این تقسیم‌کردن دختران و اینکه تمام آن‌ها به همسری یک مرد درنیامدند، در متونی از این دست نادر و تأمل‌برانگیز است (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹).

• همه قهرمانان در پایان داستان همان هستند که در آغاز بوده‌اند. این همان خصلت ایستایی شخصیت قصه‌هاست. مطلق‌گرایی که ویژگی قصه‌های سنتی است، در قهرمانان این داستان نیز دیده می‌شود؛ آن‌ها از ابتدای داستان تا انتها بر همان منش و کردار خود هستند و در گذر زمان هیچ تغییر آشکاری در رفتار و اخلاق آن‌ها دیده نمی‌شود و اگر هم دیده شود، یک باره است نه آرام و تکوینی. حوادث داستان موجب تحولات روحی آنان نمی‌شود؛ بلکه این حوادث موجب تغییر فضا و ساخت یک‌باره داستان می‌شود.

۱۰- نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

• با وجود تلاش‌های بسیاری که در سده اخیر در زمینه معرفی و تصحیح نسخ خطی ارزشمند زبان فارسی صورت گرفته است، متأسفانه هنوز شاعران برجسته زیادی خود و آثارشان در پرده گمنامی باقی مانده‌اند.

• یکی از گونه‌های شایع و پرتعداد ادبیات غنایی، داستان‌های روایی است که تلفیق هنرمندانه گونه‌های مختلف ادبی است. اگر منظومه‌های داستانی روایی را به دو شاخه غنی

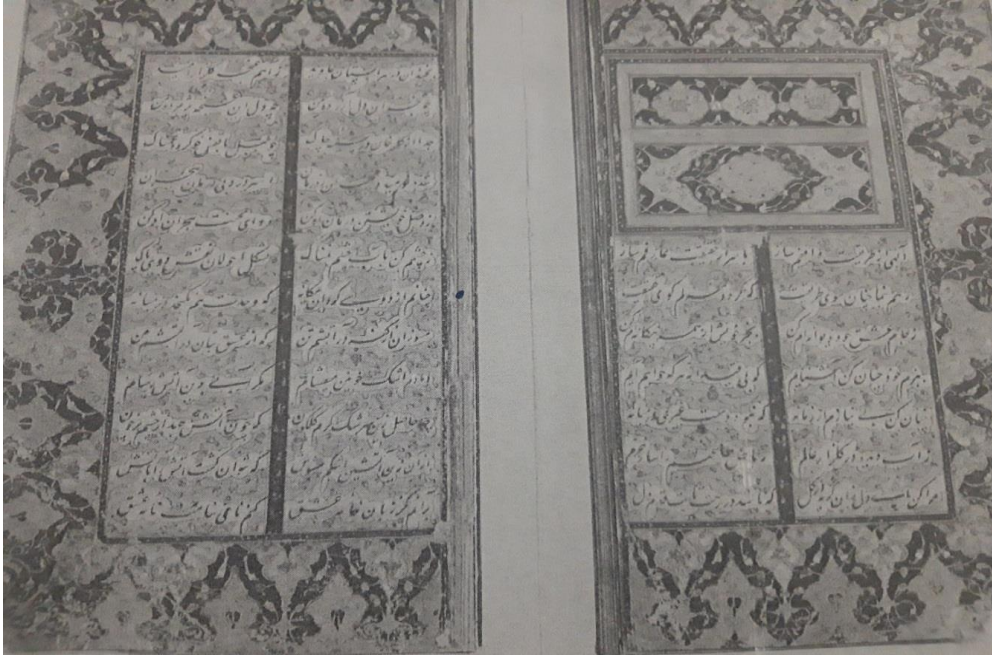
حماسی و غنایی تقسیم کنیم، به یقین هیچ شاخه‌ای جذاب‌تر و خواندنی‌تر از منظومه‌های غنایی و عاشقانه نیست و افق اشعار روایی عاشقانه از وسیع‌ترین افق‌های شعری ادب فارسی است.

• اغلب آثاری که به تقلید از منظومه‌های بزرگ غنایی پرداخته‌اند، از نظر آرایش ظاهری یکسان هستند و آنچه سبب تمایز این داستان‌های غنایی از یکدیگر می‌شود، کوشش نویسندگان این آثار در توصیف شخصیت‌ها و مجالس بزم و رزم و وصف حال و جمال داستان و... است. این توصیفات مجال هنرنمایی را برای سراینده‌گان آن فراهم می‌کند و از آنجایی که توصیف موجب گیرایی و جذابیت منظومه‌های غنایی و خلق تصاویر شاعرانه بدیع می‌شود. شاعران می‌کوشند با استفاده از توصیفات، هنر خود را به رخ دیگران بکشند و ادعای فضل و برتری کنند. در داستان *مودت‌نامه*، شاعر در جای‌جای اثر به توصیف پرداخته و از توصیف در بیان حالات عشاق، غم و اندوه آنان، مکان‌ها و سرزمین‌ها، هدایا و تجملات، اسباب و لوازم، قدرت و مکنت و... به‌خوبی بهره گرفته است.

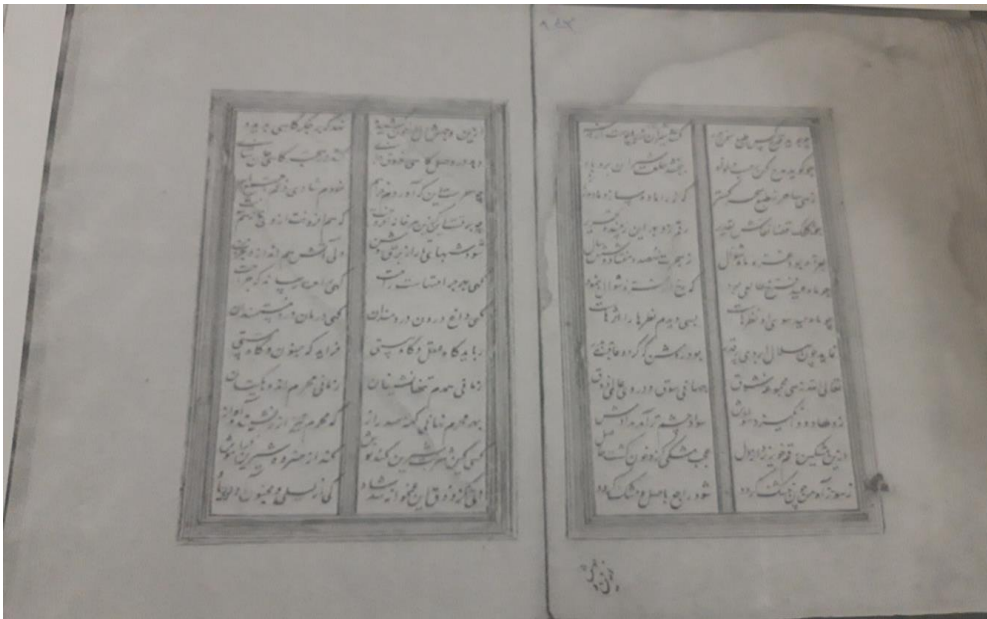
• آنچه سراینده را در زمره شاعران متوسط روزگار خود معرفی می‌کند، تلاش وی برای بیان تعابیر و صور خیال شاعرانه است. اگرچه طرح داستان بازآفرینی نمونه‌های پیشین است و پاره‌ای از تسامحات لفظی و معنایی در آن دیده می‌شود، فصاحت و روانی کلام شاعر و قدرت توصیف‌های وی سبب جذابیت این منظومه شده است.

• در سرتاسر منظومه *مودت‌نامه* کلمات مهجور، ثقیل و نامأنوس بسیار ناچیز است و این مسئله سبب فصاحت و روانی کلام در این اثر شده است.

• اعتقادات مذهبی و چاشنی عرفانی و گرایش‌های دینی سراینده در ساختار و محتوا و شکل‌گیری این داستان تأثیر بسزایی دارد.



تصویر صفحه آغازین نسخه



تصویر صفحه پایانی نسخه

منابع

۱. ابجدی، میرمحمداسماعیل بن یوسف (۱۱۹۷ ق.)، *مودت‌نامه*، به شماره ۱۱۹۵، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲. باباصغری، علی‌اصغر (۱۳۹۲)، *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. حکیم، سید محمدحسین (۱۳۹۰)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*، جلد ۲۹/۲، تهران: انتشارات کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، جلد ۲۳، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۵. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۲)، *منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی*، تهران: نیما.
۶. _____ (۱۳۸۸)، «طبقه‌بندی قصه‌های سنتی فارسی»، *جستارهای ادبی دانشگاه مشهد*، دوره ۴۲، شماره ۳، ۲۳-۴۵.
۷. _____ (۱۳۹۲)، *یکصد منظومه عاشقانه در ادب فارسی*، تهران: چشمه.
۸. رستگارفسایی، منصور (۱۳۷۲)، *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید.
۹. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱)، *شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب*، چاپ نهم، تهران: علمی.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، *موسیقی شعر*، تهران: آگاه.
۱۱. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، *آشنایی با عروض و قافیه*، تهران: چاپ رامین.
۱۲. _____ (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی شعر*، چاپ نهم، تهران: فردوس.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
۱۴. فتوحی، محمود (۱۳۸۹)، *آیین نگارش مقاله پژوهشی*، تهران: سخن.

۱۵. فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶)، *آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب*، تهران: ثبت.
۱۶. مایل هروری، نجیب (۱۳۸۰)، *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. مشرف، مریم (۱۳۸۹)، *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: سخن با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. منجد، صلاح‌الدین (۱۳۶۴)، *روش تحقیق و تصحیح کتاب‌های خطی*، مشهد: انتشارات کتابخانه جامع گوهرشاد.
۱۹. میرصادقی، جمال (۱۳۷۶)، *ادبیات داستانی (عناصر داستان)*، تهران: شفا.
۲۰. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۲)، *قصر بی‌قراری (بررسی و تحلیل هشت منظومه غنایی ناشناخته)*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.